

Cognitive Typology of Motion Events in the Gilaki Language

Fatemeh Naeimi H.¹

An event is a part of reality whose boundaries are determined by the human mind. Events are conceptualized based on a specific type of internal structure and a degree of combinability. One of the events that is considered to be part of the fundamental human experiences and has become widespread and common in our daily life and communication needs is the event of movement. Talmy (1985) describes the event of movement as an object or body moving or in a static state with respect to another object, that is, the context. In the present study, the intention is to examine the representation of the event of movement in speakers of the Gilaki language with respect to Talmy's cognitive taxonomy. What is intended in this study is to first determine the verbs of movement and the lexicalization patterns of these verbs in the Gilaki language (according to the Wilkins questionnaire), then the context and direction of movement in these patterns are determined, and finally, based on Talmy's dual classification of the verb base and the function base, the position of the Gilaki language in this classification is determined. Based on the findings of the present study, the Gilaki language is located in a continuum of path-marking and mode-marking verbs.

Key words: motion events, lexicalization patterns, verb base, function base, manner verb

¹ Ph.D. in Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, fnaeimi66@gmail.com

رده‌شناسی شناختی رویداد حرکت در زبان گیلکی

فاطمه نعیمی حشکوائی^۱

چکیده

رویداد بخشی از واقعیتی است که حد و مرز آن توسط ذهن انسان‌ها مشخص می‌شود. رویدادها بر اساس نوع خاصی از ساختار درونی و درجه‌ای از ترکیب‌پذیری، مفهوم‌سازی می‌شوند. یکی از رویدادهایی که جزو تجربه‌های بنیادی بشر تلقی می‌شود و در زندگی روزمره و در نیازهای ارتباطی ما فراگیر و متداول شده رویداد حرکت است. تالمی (1985) رویداد حرکت را شیء یا پیکری در حال حرکت یا در وضعیت ایستا با توجه به شیئی دیگر یعنی زمینه توصیف می‌کند. در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا بازنمود رویداد حرکت در سخنگویان گیلکی زبان با توجه به رده‌شناسی شناختی تالمی بررسی شود. آنچه در این تحقیق مد نظر است ابتدا تعیین افعال حرکتی و الگوهای واژگانی‌شدگی این افعال در زبان گیلکی است (بر طبق پرسشنامه ویلکینز) سپس زمینه و مسیر حرکت در این الگوها مشخص و در نهایت بر اساس رده‌بندی دوگانه تالمی به فعل بنیاد و تابع‌بنیاد، جایگاه زبان گیلکی در این رده‌بندی تعیین می‌شود. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر زبان گیلکی در پیوستاری از فعل‌های مسیرنما و شیوه‌نما قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: رویداد حرکت، واژگانی‌شدگی، فعل‌بنیاد، تابع‌بنیاد، افعال شیوه‌نما

۱- مقدمه

بر اساس نظر تالمی^۲ (۲۰۰۰: ۲۱۵) رویداد بخشی از واقعیتی است که حد و مرز آن توسط ذهن انسان‌ها مشخص می‌شود. رویدادها بر اساس نوع خاصی از ساختار درونی و درجه‌ای از ترکیب‌پذیری، مفهوم‌سازی می‌شوند. رویدادها، ترکیبی از رویداد اصلی و رویدادهای فرعی یا هم‌رویداد^۳ است. یکی از رویدادهایی که جزو تجربه‌های بنیادی بشر تلقی می‌شود و در زندگی روزمره و در نیازهای ارتباطی ما فراگیر و متداول شده رویداد حرکت^۴ است (سیفوننتس- فرز^۵، ۲۰۰۸: ۲ و ۲۵).

^۱ دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی fnaeimi66@gmail.com

این مقاله در سال ۱۳۹۵ در نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی کرانه جنوبی دریای خزر در دانشگاه گیلان توسط نویسنده ارائه شد.

^۲ Talmy, L.

^۳ coevent

^۴ motion event

^۵ Cifuentes- Perez

به اعتقاد واسانتا^۱ (۲۰۱۱: ۱۵۸) شکل، حرکت و مکان زیرمجموعه‌های قلمرو معنایی محسوب می‌شوند که با یکدیگر در زبان‌های مختلف در تعاملند. در ارتباط با اطلاعات مربوط به شیء ثابت، حرکت با بعد اضافه‌تر زمان جنبه پویای شیوه و مسیر حرکت را موجب می‌شود. به اعتقاد او افعال حرکتی در زبان‌های مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

از این رو به لحاظ شناختی، رویداد حرکت را می‌توان جزو جهانی‌های زبان در نظر گرفت زیرا در همه زبان‌ها بازنمود دارد. اما نکته حائز اهمیت نوع بیان این رویداد در زبان‌های دنیا است. بر طبق رده-بندی زبان‌ها این رویداد به صورت متفاوت بازنمود می‌یابد. گناری^۲ و همکاران (۲۰۰۲) این پرسش‌ها را مطرح می‌کنند که آیا بازنمودهای مفهومی جهانی نسبتاً از بازنمودهای زبانی متمایزند یا آیا این نوع بازنمود به زبان مرتبط‌اند تا تفکر را شکل دهند. بررسی آنان نشان داد که هر دو دیدگاه صادق است. آیا الگوهای واژگانی شدگی متفاوت در انگلیسی و اسپانیایی اهمیت شناختی برای آنان دارد. آنان نتیجه می‌گیرند که الگوهای زبانی در مفهوم‌سازی افراد طی یادگیری زبان و شکل‌بندی طرحواره‌ها که برای بازنمود جهان پیرامون به کار می‌رود موثر است. از این رو فرایندهای شناختی غیرزبانی به فرم یا محتوای زبان گفتاری مرتبط است. در همین راستا تحقیق دیگری را اوزچالیشکان^۳ (۲۰۰۴) با تاکید بر بسط استعاری رویدادهای حرکت و مقایسه الگوهای واژگانی‌شدگی دو رده زبانی یعنی فعل بنیاد مثل ترکی و تابع بنیاد مانند انگلیسی انجام داده است. در این زبان‌ها مولفه‌های معنایی متفاوتی از رویدادهای استعاری حرکت کدگذاری می‌شود. آنان در تلاش بودند تا بررسی کنند که آیا تفاوت رده‌شناسی در رویداد حرکت به کاربرد استعاری واژگان در بین این دو زبان بسط یافته است. تاکید بر استعاره‌هایی بود که توسط حوزه مبدأ حرکت در فضا ساخته شده است و نیز بر اختلاف رده‌شناختی در کدگذاری سه مولفه اصلی رویدادهای استعاری حرکت بود یعنی شیوه حرکت، مسیر حرکت و عنصر زمینه مرتبط با حرکت. نتیجه‌گیری آنان نشان داد که در زبان انگلیسی شیوه حرکت در فعل اصلی و اطلاعات مسیر در تابع بیان می‌شود در حالی که در ترکی فعل اصلی اطلاعات مسیر را نشان می‌دهد.

از زمانی که تالمی (۱۹۸۵) تحقیقات خود را درباره رده‌شناسی زبان بر اساس الگوهای واژگانی‌شدگی رویداد حرکت مطرح کرد پژوهش‌های زیادی در این خصوص صورت گرفت تا با بررسی زبان‌های دیگر نظریه تالمی محک زده شود. در این تحقیقات، هدف، رده‌بندی زبان‌ها به دو گروه فعل بنیاد^۴ و تابع بنیاد^۵ بود. البته بعضی از نتایج تحقیقات نشان داد که زبان‌ها ممکن است به طور مشخص در یکی از این دو رده قرار نگیرند بلکه ممکن است در پیوستاری جایگاه آن زبان تعیین شود. به عنوان مثال ازکیا (۱۳۹۰) بر اساس الگوی واژگانی‌شدگی تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) زبان فارسی را در چارچوب تقسیم‌بندی دوشقی در

¹ Vasanta, D.

² Gennari, S. P.

³ Özali kan

⁴ verb-framed

⁵ satellite- framed

رده زبان‌های قمرمحور (تابع بنیاد) جای داد. در حالی که مسگرخویی (۱۳۹۳) در بررسی خود نتیجه گرفت که با قطعیت نمی‌توان زبان فارسی را در یکی از دو رده پیشنهادی تالمی قرار داد بلکه بهتر است در پیوستارهای مسیر و شیوه برمن^۱ و اسلوبین^۲ (۱۹۹۴) و ایبارتس - آنتانانو^۳ (۲۰۰۴) سنجیده شود. در نهایت او زبان فارسی را زبانی با گرایش به بازنمود شیوه در فعل‌های حرکتی طبقه‌بندی می‌کند. حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳) نیز به این نتیجه دست یافتند که زبان فارسی از نظر تقسیم‌بندی دوگانه تالمی می‌تواند در هر دو دسته قرار گیرد. تالمی (۱۹۸۵) در مقاله معروف خود با نام «الگوهای واژگانی شدگی: ساخت معنایی در صورت‌های واژگانی» روابط نظام‌مند بیان زبانی و معنایی در زبان را بررسی کرد. او فرض کرد که عناصر به طور جداگانه در حوزه معنی و حوزه بیان زبانی قرار دارند. عناصر معنایی عبارتند از حرکت^۴، مسیر، پیکر، زمینه^۵، شیوه و علت^۶ و عناصر زبانی شامل فعل، حروف اضافه، بندهای وابسته و تابع است. جنبه دیگر بررسی او مشخص کردن این مسئله بود که کدام عنصر معنایی با کدام عنصر زبانی بیان می‌شود. او از این بررسی‌ها به اصول جهانی و الگوهای رده‌شناختی زبانی دست یافت. آنچه مد نظر تالمی بود درک این مسئله بود که این الگوها در بین زبان‌های مختلف به چگونه است. در ادامه قصد بر آن است تا بازنمود رویداد حرکت در زبان گیلکی با توجه به رده شناسی شناختی تالمی (۱۹۸۵) بررسی شود. در واقع تلاش می‌شود تا بر اساس الگوی واژگانی‌شدگی تالمی مشخص شود که سخنگویان گیلکی زبان چگونه داده‌های زبانی خود را در شرح رویداد حرکت سازماندهی می‌کنند و کدام ابزار زبانی، واژگانی‌شدگی را نشان می‌دهد.

آنچه در این تحقیق مد نظر است ابتدا تعیین افعال حرکتی و الگوهای واژگانی‌شدگی این افعال در زبان گیلکی است (بر طبق پرسشنامه ویلکینز^۷) سپس زمینه و مسیر حرکت در این الگوها مشخص و در نهایت بر اساس رده‌بندی دوگانه تالمی به فعل بنیاد و تابع بنیاد، جایگاه زبان گیلکی در این رده‌بندی تعیین می‌شود.

۲- مباحث نظری

تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) در آثار خود ابتدا با این بحث بررسی خود را شروع می‌کند که رابطه معنی و بیان زبانی را درک کند. او برای مد نظر قرار دادن معنی اساساً سه فرایند را مرتبط می‌داند. ۱- واژگانی-شدگی، ۲- حذف (فرایند صفر)، ۳- تفسیر (۱۹۸۵: ۵۹). تالمی برای رسیدن به رابطه معنی و بیان زبانی، معنی‌شناسی افعال حرکتی را با الگوهای واژگانی‌شدگی بررسی می‌کند. در ادامه ابتدا واژگانی‌شدگی و

¹ Breman, R.

² Slobin, D.I.

³ Ibarretxe- Antunano

⁴ motion

⁵ ground

⁶ cause

⁷ Wilkins, D.

انواع آن در ریشه فعل و نیز اجزاء رویداد حرکت و در نهایت رده‌شناسی دوگانه تالمی (۱۹۸۵) بررسی و ارائه خواهد شد.

۲-۱- نظریه الگوهای واژگانی شدگی

از نظر تالمی (۱۹۸۵: ۵۹) واژگانی شدگی زمانی است که مولفه معنایی خاصی به یک تکواژ مرتبط شود. یعنی ارتباط نظام‌مند بین عنصر معنایی و تکواژ. تالمی معتقد است که هم عناصر معنایی و هم بیان زبانی را می‌توان به طور مجزا از یکدیگر جدا نمود. این عناصر معنایی عبارتند از حرکت، مسیر، پیکر، زمینه، شیوه و علت. عناصر زبانی نیز عبارتند از فعل، حروف اضافه، بندهای وابسته و آنچه به آن تابع گفته می‌شود. او در تحقیق خود تلاش کرد تا با الگوهای مختلف، ارتباط این عناصر را بررسی و رده‌بندی کند. فیلیپوویک^۱ (۲۰۰۷) در کتاب خود این سؤال را مطرح می‌کند که به چه دلیل باید الگوهای واژگانی شدگی در بین زبان‌ها مطالعه و بررسی شود. به عقیده او مطالعه الگوهای واژگانی شدگی این اندیشه را مطرح می‌کند که چگونه سخنگویان زبان‌های مختلف داده‌های تجربی خود را درباره رویداد حرکت سازماندهی می‌کنند. شروع کار وی حوزه تجربی همگانی‌های زبانی بود و نیز مشخص کردن این نکته که کدام ابزار زبانی واژگانی شدگی را نشان می‌دهد. فیلیپوویک در تحقیق خود رویدادهای حرکت را انتخاب کرده است زیرا به عقیده او حرکت یکی از تجربه‌های اولیه در زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود و از این رو به واژگانی شدگی در تمام زبان‌ها مرتبط است.

۲-۲- رویداد حرکت

تالمی (۱۹۸۵: ۶۱) رویداد حرکت را شامل شیء یا پیکری در حال حرکت یا در وضعیت ایستا با توجه به شیئی دیگر یعنی زمینه توصیف می‌کند. او مولفه مسیر و جزء حرکت را نیز جزو رویداد حرکت می‌داند. مسیر را چپتی تعریف می‌کند که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید و جزء حرکت نیز رخداد حرکت یا قرار گرفتن در یک مکان است. در ادامه تالمی شیوه و علت را نیز از اجزای رویداد خارجی حرکت در نظر می‌گیرد.

تالمی (۱۹۸۵: ۶۲) در ادامه بررسی‌های خود درباره فعل، توجهش را به ریشه فعل معطوف کرد. او دلیل این امر را انواع واژگانی شدگی تکواژ و نیز مقایسه الگوهای واژگانی شدگی در بین زبان‌ها می‌داند که ساختار متفاوتی دارند. مثلاً ریشه فعل در زبان چینی تنها یک واژه است در حالی که در زبان آتسوگوی^۲ فعل با وندهای متفاوتی احاطه می‌شود که با هم یک واژه را تشکیل می‌دهند. او سه نوع واژگانی شدگی ریشه فعل را به شرح زیر رده‌بندی می‌کند. هر زبان تنها یکی از این نوع واژگان شدگی را برای فعل در بیان رویداد حرکت به کار می‌برد.

۲-۳- واژگانی شدگی ریشه فعل

^۱ Filipovic, L.

^۲ Atsugewi

۲-۳-۱- حرکت + شیوه / علت

در این الگو فعل همزمان واقعیت حرکت و شیوه یا علت را بیان می‌کند. خانواده زبانی که این الگو را در بیان رویداد حرکت نشان می‌دهند زبان چینی و تمام شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی است به استثناء لاتین باستان. انگلیسی مثال بارز برای این الگو است.

مانند:

1- I rolled the keg into the storeroom.

فعل roll هم حرکت و هم شیوه حرکت را همزمان نشان می‌دهد.

2- I kicked the keg into the storeroom.

فعل kick همزمان هم علت و هم حرکت را نشان می‌دهد.

۳- توپ را به سمت پسر قل دادم.

فعل «قل دادن» هم حرکت و هم شیوه حرکت را همزمان نشان می‌دهد.

۴- بشکه را با لگد به انبار انداختم.

فعل «با لگد انداختن» هم حرکت و هم علت را نشان می‌دهد.

۲-۳-۲- حرکت + مسیر

در دومین الگوی رده‌شناسی بیان رویداد حرکت، ریشه فعل همزمان هم واقعیت حرکت و هم مسیر را نشان می‌دهد. اگر شیوه و علت در جمله بیان شود باید به عنوان جزئی مستقل که معمولاً قید یا اسم مصدر است نمود یابد. زبان‌هایی که این الگو را به کار می‌برند عبارتند از سامی، پولنزایی و لاتین باستانی. اسپانیایی مثال بارز این نوع الگو است. شیوه و علت در صورت حضور باید به صورت سازه مستقلی نشان داده شود. مانند:

۵- سیب از درخت افتاد.

فعل «افتادن» حرکت و مسیر حرکت را همزمان نشان می‌دهد.

زبان سری (یکی از زبان‌های مکزیکی) را که ساکس^۱ (۲۰۰۴) بررسی کرد نظام دوگانه تلفیق در رده-شناسی حرکت را به همراه مسیر، پیکر و افعال شیوه‌نما^۲ دارا است که به صورت‌های مختلف در رویداد حرکت به کار می‌رود. کاربرد افعال مسیرنما^۳ شاخص‌ترین ویژگی این زبان است. بر طبق معیار تالمی، زبان سری ظاهراً فعل‌بنیاد است.

۲-۳-۳- حرکت + پیکر

در سومین الگوی رده‌شناسی برای بیان حرکت، فعل بیان کننده واقعیت حرکت به همراه پیکر است. زبان‌هایی که این الگو را به کار می‌برند مجموعه‌ای از افعالی را دارند که انواع متفاوتی از حالت‌های

¹ Sachs, A.E.

² Manner verb

³ path verb

حرکت یا وضعیت را نشان می‌دهد. زبان اتسوگوی نمونه خوبی از این رده است. تالمی (۲۰۰۰: ۵۷) مثالی از فعل «to rain» را ارائه می‌کند.

6- It rained in through the bedroom window.

۲-۴- تابع

بازنمود مقولات معنایی مشخص با نوعی از سازه‌های زبانی بیان می‌شود که اصطلاحاً به آن تابع فعل می‌گویند. تابع‌ها در بسیاری از زبان‌ها و نه همه آنها سازه بلافصل ریشه فعل است به غیر از عناصر تصریفی، افعال کمکی یا موضوع‌های اسمی. تابع‌ها به ریشه فعل همانند توصیف کننده‌ها به هسته هستند. ریشه فعل به همراه تابع آن، فعل ترکیبی می‌سازد. در بعضی موارد عناصری که به عنوان تابع به ریشه فعل متصل می‌شود به مقولات دستوری خاصی متعلق نیستند بلکه بهتر است نوع خاصی از رابطه دستوری در نظر گرفته شود (تالمی، ۱۹۸۵: ۶۱). به اعتقاد تالمی (۲۰۰۰: ۲۲۲) تابع مقوله دستوری است که رابطه خواهری با ریشه فعل دارد. تابع وند وابسته یا واژه آزاد است. از این رو شامل این موارد می‌شود یعنی ادات فعل در انگلیسی، پیشوند فعلی وابسته و مستقل در آلمانی، پیشوند فعل در لاتین و روسی، متمم فعل در چینی، در لاهو افعال چند وجهی غیر هسته‌ای، در کادو اسمی ترکیبی و در آتسوگوی وندهایی که ریشه فعل را احاطه می‌کند.

۲-۴-۱- مسیر

در زبان انگلیسی تابع معمولاً شامل مولفه مسیر است. به طور کلی مسیر با ترکیب تابع و حرف اضافه بیان می‌شود. معمولاً تابع به تنهایی ظاهر می‌شود.

۲-۴-۲- مسیر + زمینه

در الگوی تلفیقی، تابع همزمان مسیر خاص و نوعی از هدف را به عنوان زمینه برای مسیر بیان می‌کند. تابع‌هایی از این نوع ظاهراً در زبان‌های دنیا نادرند. اما زبان آتسوگوی زبانی است که این نوع تابع را دارا است.

۲-۴-۳- رده‌شناسی دوگانه تالمی

به اعتقاد تالمی (۲۰۰۰: ۲۲۱-۲۲۲) به طور کلی زبان‌های دنیا ظاهراً بر اساس الگوی خاصی به دو رده تقسیم می‌شود. زبان‌هایی که چارچوب اصلی در فعل نگاشت می‌شود زبان‌های فعل‌بنیاد نام دارد. از طرف دیگر زبان‌هایی که چارچوب اصلی آنها در تابع نگاشت می‌شود زبان‌های تابع‌بنیاد نام دارند این زبان‌ها عبارتند از اکثر زبان‌های هند و اروپایی به استثناء یونانی باستان، فینو-اوگریک، چینی، اوجیوا^۱ و وارپیری. هم‌رویدادها در زبان‌های تابع بنیاد در فعل اصلی نگاشت می‌شوند در حالی که در زبان‌های فعل‌بنیاد هم‌رویدادها در تابع یا در افزوده‌ها خصوصاً گروه‌های حرف اضافه‌ای یا در اسم مصدر نگاشت می‌شود.

^۱ Ojibwa

به اعتقاد تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) در رویداد حرکت در زبان‌های تابع بنیاد مولفه معنایی رویداد حرکت یعنی جزء حرکت و شیوه در فعل ترکیب می‌شود و مسیر در تابع بازنمود می‌یابد. اما در زبان‌های فعل بنیاد، جزء حرکت و مسیر در فعل ترکیب می‌شود و شیوه به صورت مجزا بازنمود می‌یابد. به عنوان مثال انگلیسی زبان تابع بنیاد و اسپانیایی و باسک فعل بنیاد یا زبان آلمانی تابع بنیاد و فرانسوی فعل بنیاد است. اطلاعات هسته‌ای رویداد حرکت در زبان‌های تابع بنیاد خارج از فعل بازنمود می‌یابد (ایبارتس - آنتوانو به نقل از تالمی).

۳- تحلیل داده‌ها

بر اساس نظریه الگوهای واژگانی شدگی تالمی و با استفاده از پرسشنامه ویلکینز و همکاران درباره رویداد حرکت در زبان‌های استرالیایی از سایت مکس پلانک^۱ قصد بر آن است تا بازنمود رویداد حرکت در زبان گیلکی بررسی شود. بر این اساس ابتدا با شرح مختصری از زبان گیلکی موقعیت این زبان نسبت به سایر زبان‌های ایرانی مشخص و سپس به سؤالات این پرسشنامه پاسخ داده خواهد شد. پرسشنامه ویلکینز و سایرین از ۴ بخش تشکیل شده است. در بخش اول ۲۶ فعل حرکتی، پیشنهاد شده است که باید معادل آن در زبان مورد نظر ارائه و الگوهای بیان رویداد حرکت مشخص شود. در بخش دوم باید متنی ارائه شود که برخوردار از بیان رویداد حرکت باشد. بخش سوم نشانه‌های دستوری زمینه و مسیر باید در زبان مشخص شود و در بخش چهارم باید به این سؤال پاسخ داده شود که کدام عنصر زبانی، مسیر را کدگذاری می‌کند. در واقع باید مشخص شود که زبان مورد نظر جزو رده زبان‌های تابع بنیاد است یا فعل بنیاد.

۳-۱- زبان گیلکی

بر اساس تحقیق استیلو^۲ (2012) در گیلان سه زبان عمده ایرانی وجود دارد یعنی گیلکی، رودباری و تالشی و دو گروه دیگر نیز به آن افزوده می‌شود، تاتی و کردی. این پنج زبان ایرانی از گروه شاخه شمالی غربی ایران است. گیلکی دو گویش عمده دارد، گویش شرقی و غربی. در ادامه بعضی از ویژگی‌های صرفی زبان گیلکی که مرتبط با تحقیق حاضر است ارائه خواهد شد.

۳-۱-۱- حروف اضافه

زبان گیلکی تنها پس اضافه دارد و پیش‌افزاده‌هایی از زبان فارسی قرض گرفته است. پس اضافه مانند:

۱- ja ، -je(n) به معنی «از»

۲- re به معنی برای

۳- mian ، durun به معنی «در»، «درون»

۴- mərə, am(a)ra به معنی «با»

۵- bija, virja به معنی نزدیک

¹ Max Planck

² Stilo, D.

۶- jir به معنی زیر

۷- sər, ru به معنی روی

۸- jor به معنی بالای

پیش‌اضافه مانند: az/jə (از)، ta (تا)، bə (به)

۳-۱-۲ فعل

تفاوت عمده در گیلکی غربی و شرقی در بازنمود فعل است.

به طور کلی تفاوت آشکاری بین ریشه حال و گذشته فعل دیده می‌شود. پیش‌فعل‌ها ریشه فعل را به لحاظ واژگانی گسترش می‌دهند. به ویژه در گیلکی غربی. مانند:

də-/di-, du-, fa-/fə-/fi-, fu-, jə-/ji-, ju-, va-/vi-

گونه نادر: a-, i-, u-, ca-, cu-, ta-

نقش واژگانی پیش‌فعل‌ها به شرح زیر است:

افتادن پایین- jekef، افتادن درون چیزی- de-kef، حمله کردن- va-kef: افتادن- Kef

پنهان شدن- ju-xus، حمله کردن- fu-xus، حمله کردن- u-xus: خوابیدن- xus

برچیدن- fu-čin، روی هم ریختن- di-čin، جمع کردن- u-čin: چیدن- čin

نوزادی را از شیر گرفتن- jə-gift، خریدن، گرفتن از کسی- fa-gift، گرفتن- gift

də-gərdəst-، گسیختن- ju-gərdəst-، برگشتن- va-gərdəst-، گشتن، دور زدن- gərdəst-

برگشتن چرخیدن

کشیدن- fa-kəš-، گرفتن، خریدن- fa-gift، صعود کردن- fa-čukəst-، دادن- fa-da-: fa-

fi-: fi-čaləst- چلانیدن fi-bišt- سرخ کردن

(Stilo, 2012:660-668).

۳-۲- بخش اول پرسشنامه

در پرسشنامه ۲۶ فعل حرکتی انگلیسی پیشنهاد شده است. در جدول زیر معادل گیلکی و فارسی آن ارائه خواهد شد.

۱	to go	رفتن	šoan
۲	to come	آمدن	amon
۳	to return(to go back)	برگشتن	vagerdestən
۴	to take to(take along; carry)	فرار کردن	birtən(jamâ zeen)
۵	to bring	آوردن	baverdən
۶	to move (from one place to another e.g. they shifted into the	حرکت کردن(از یک مکان به مکان دیگر)	šoan

	shade; they moved camp)		
۷	To leave behind(to abandon; to leave something somewhere and go off)	ترک کردن	sarâdøn
۸	to move (with no overall change of location; move on the spot or about a fixed point e.g. the bush is moving, his eyes/hair moved)	حرکت بدون تغییر مکان - وول خوردن	vilvili gudan
۹	to move quickly (hurry away; hurry off)	عجله کردن هول هولکی رفتن جلو افتادن	tadi gudan tondi katare- furandi devarastə
۱۰	to walk	راه رفتن	ra šoan
۱۱	to run	دویدن	dovastən
۱۲	to crawl (of baby)	خزیدن - سینه خیز رفتن	sine fišin
۱۳	to fly (of bird)"	پرواز کردن	par zeen- paraydan
۱۴	to hover (to flutter e.g. of hawk; butterfly)	در جا بال زدن - بال بال زدن	fašən
۱۵	to swim(of fish? of person?)	شنا کردن	sine âb kudən- sine ow
۱۶	to roll(e.g. of ball or boulder or tumbleweed)	غلتیدن - قل دادن	gerâdøn
۱۷	to creep up on (to sneak along; sneak up on)	ناگهان رسیدن	sar fatarak šoan
۱۸	to follow someone/something	دنبال کردن کسی / چیزی	begərdəstən
۱۹	to track someone/something	رد کسی / چیزی را گرفتن	vaporsən rače gitan
۲۰	to ascend (get up on to; to climb up)	بالا رفتن	učukəstən(bujur šoan)
۲۱	to descend (get down off/out of)	پایین آمدن	bijir âmon

۲۲	to fall (down from a height) (does this contrast with "to fall over"?; collapse?)	افتادن از ارتفاع روی زمین افتادن	dəkeftən keftən
۲۳	to emerge (exit; appear; come out; rise (of sun))	آشکار شدن - درآمدن - آفتابی شدن	vâškasən
۲۴	to enter (to go into (e.g. a house, a camp))	وارد شدن	dorun šoan
۲۵	to cross over (go across)	تغییر کردن - عوض شدن	dəvârestən
۲۶	to pass by	از کنار گذشتن - عبور کردن	kenar šoan

۳-۳- بخش دوم پرسشنامه

در این قسمت متن آزادی که دربردارنده فعل‌های حرکتی است ارائه می‌شود. این متن با الهام از داستان - های قورباغه^۱ اثر میر^۲ توسط گیلک زبان تولید شده است.^۳

Ite/ šab/ taxt-a/ jor/ nište/ bum. Ite/ seda/ b-amo. Az/ jâ/ sar/ be-parest-am/ bi-din-am/ ki/ sedâ/ ko/ taraf/ verje/ bamo/. Az/ txt-a/ jor/ b-amo-m/ bi/ jir/ xodam-a/ aram/ fâ-kešt-am/ kenâre/ panjere/ ita/ nigâ/ bo-kud-am. Bi-de-m/ xabar-i/ niye. Ane/ vesti/ bo-dovâst-am/ hayat-e/ miyan/ bi-din-am/ sedâ/ az/ koye/ b-amo. Hato/ ki/ nighah/ kudan/ de-bum/ ivere/ bi-de-m/ ki/ ita/ piča/ kenar-e/ der/ nište. Piča/ ta/ ma-ra/ bi-de/ be-čâke-ze.

یک شب روی تخت نشسته بودم، یک صدایی شنیدم، از جا پریدم تا ببینم که صدا از کدام طرف اومد. از تخت اومدم پایین، آرام رفتم سمت پنجره، یه نگاهی انداختم. دیدم خبری نیست. به خاطر همین تو حیاط دویدم تا ببینم که صدا از کجا اومد همین جور که نگاه می‌کردم یکهو دیدم که یه گربه کنار در نشسته. گربه همین که منو دید فرار کرد.

۳-۴- بخش سوم پرسشنامه

در قسمت سوم نشاننداری مولفه زمینه و مسیر در رویدادهای حرکت زبان گیلکی مشخص خواهد شد. بر طبق نظریه تالمی (۱۹۸۵: ۶۱) در رویداد حرکت، ۴ مولفه معرفی شد. بر اساس تعریف، مسیر جهتی است که پیکر با توجه به زمینه طی می‌کند. زمینه موجودیتی است که پیکر با توجه به آن حرکت می‌کند. در

^۱ frog story, *Frog where are you?*

^۲ Mayer, M

^۳ این کتاب از تصاویری طراحی شده است که می‌توان به کمک این تصاویر داستانی را روایت کرد. این شیوه‌ای است که برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) از آن برای تحقیق خود استفاده کردند.

ادامه با استفاده از فعل‌های بخش اول جملاتی ارائه و سپس نوع مولفه‌های مسیر و زمینه در این مثال‌ها مشخص خواهد شد.

7- <u>Zay</u>	<u>sine</u> <u>fišin</u>	<u>dâr</u>	<u>virje</u>	<u>bušo</u>	بچه سینه خیز نزدیک درخت رفت.
	بچه	سینه	درخت	نزدیک	رفت
		خیز			
	پیکر	شیوه	زمینه	جهت	فعل حرکتی
8- <u>čiči</u>	<u>dâr</u>	<u>je</u>	<u>fačekeste</u>		مارمولک از درخت بالا رفت.
	مارمولک	درخت	از	بالا رفت	
	پیکر	زمینه	جهت	فعل حرکتی + شیوه حرکت	
9- <u>Seb</u>	<u>dâr</u>	<u>je</u>	<u>be</u>	<u>zemin</u>	<u>dekefte.</u>
	سیب	درخت	از	به	زمین
	پیکر	منبع		جهت	زمینه
					افتاد فعل حرکتی + مسیر حرکت
10- <u>Zay</u>	<u>az</u>	<u>sek</u>	<u>jama</u>	<u>beze.</u>	بچه از سگ فرار کرد.
	بچه	از	سگ	فرار	کرد
	پیکر	جهت	زمینه	فعل حرکتی + شیوه حرکت	
11- <u>top</u>	<u>mi</u>	<u>taraf</u>	<u>gerâdestə.</u>		توپ به طرف من قل خورد.
	توپ	من	طرف	قل خورد	
	پیکر	زمینه	جهت	فعل حرکتی + شیوه	
12- <u>čičini</u>	<u>par</u>	<u>ze</u>	<u>u</u>	<u>bušo.</u>	گنجشک پر زد و رفت.
	گنجشک	پر	زد	و	رفت
	پیکر	فعل حرکتی + شیوه	حرف ربط	فعل حرکتی	
13- <u>Mi</u>	<u>dust</u>	<u>ta</u>	<u>tookali</u>	<u>učukəstə.</u>	دوستم تا قله صعود کرد.
	ضمیر ملکی من	دوست	تا	قله	صعود کرد
	پیکر	زمینه		فعل حرکتی + شیوه + مسیر	
14- <u>čiri</u> <u>zay</u>	<u>dar</u>	<u>je</u>	<u>zemin</u>	<u>dekefte.</u>	جوجه از درخت به زمین افتاد.
	جوجه	درخت	از	زمین	افتاد

پیکر	منبع حرکت	جهت	زمینه	فعل حرکتی + مسیر	
15- čičini	hâvâ	mian	per zeen	dare.	گنجشک در حال پریدن در هوا است.
گنجشک پیکر	هوا زمینه	درون جهت	در حال پریدن	فعل حرکتی + شیوه	
16- O zay	o	daste	xiaban	bedovaste.	آن بچه به آن سمت خیابان دوید.
آن بچه پیکر	آن جهت	سمت جهت	خیابان زمینه	دوید فعل حرکتی + شیوه	

بر طبق نظر تالمی و بر اساس جملات نمونه فوق می‌توان مشاهده کرد که افعال حرکتی گیلکی گاهی به طور مستقل و گاهی به همراه مسیر و شیوه بازنمود دارد و ادغام فعل حرکتی و مسیر و شیوه مشهود است. همچنین مولفه زمینه نیز در این زبان نشاندار است. اما بر طبق نظر ازکیا (به نقل از تالمی، ۲۰۰۰: ۶۱) عنصر مفهومی زمینه تمایل اندکی بر ادغام با رویدادهای حرکتی دارد. به اعتقاد تالمی ادغام زمینه و حرکت از احتمالات ادغامی قلمداد می‌شود و در زبان‌ها می‌تواند رخ دهد. اما تاکنون در هیچیک از زبان‌ها چنین ادغامی به عنوان ادغام غالب مشاهده نشده است (ازکیا، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

۳-۵- بخش چهارم پرسشنامه

هدف تالمی (۱۹۸۵، ۲۰۰۰) این است که بداند عناصر حرکتی چگونه در عناصر زبانی بازنمود می‌یابد. عناصر مورد نظر او فعل‌ها و تابع‌ها هستند. برخی از تابع‌ها مانند ادات در فارسی و انگلیسی و پیشوندهای فعلی در روسی و آلمانی و غیره است (مسگرخویی، ۱۳۹۳). از این رو با نگاهی به افعال حرکتی گیلکی می‌توان مشاهده کرد که تابع‌ها در این زبان به صورت پیش فعل ظاهر شده‌اند. مانند افعال dekeftən - učkəstən

۴- نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر در زبان‌شناسی شناختی پژوهش‌های گسترده‌ای در خصوص بررسی جنبه‌های مختلف بازنمود مفاهیم معنایی صورت گرفته است. هدف این تحقیقات مشخص کردن چگونگی بازنمود این مفاهیم در زبان است و اینکه کدام عنصر زبانی این مفاهیم را در زبان‌های مختلف نشان می‌دهد (مسگرخویی، ۱۳۹۲). از این رو آنچه در تحقیق حاضر مد نظر بود نشان دادن راهکارها و روش خاص زبان مورد نظر است. یعنی قصد بر این بود تا مشخص شود که سخنگویان گیلک زبان در بازنمود

مفاهیم معنایی به ویژه مفهوم رویداد حرکت چگونه عمل می‌کنند و نقشه ذهنی آنها چگونه جهان اطراف را دسته‌بندی یا به عبارت دیگر مقوله‌بندی می‌کند.

با مطرح شدن نظریه تالمی (۱۹۸۵) و بررسی زبان‌ها توسط او و سایر محققان در واقع رسیدن به جهانی‌های زبانی در مفاهیم شناختی از جمله مفهوم حرکت مطرح شد. سؤال‌های پرسشنامه ویلکینز و همکاران نیز موید همین نکته است. زیرا آنان نیز به دنبال تصویر مقایسه‌ای بین زبان‌ها از طریق الگوهای تلفیق و توزیع معنایی‌اند. یعنی کدام اطلاعات معنایی در کنار رویداد حرکت ممکن است در ریشه فعل کدگذاری شود و چه اطلاعاتی در تکواژهای مختلف کدگذاری می‌شود. واسانتا (۲۰۱۱) هدف تحقیق خود را پرداختن به موضوعات نظری خاص درباره افعال حرکتی و نقش آن در ارتباط با مفهوم-سازی و بیان دانش مربوط به مکان به طور کلی و حرکت به طور خاص سخنگویان یک زبان می‌داند. به اعتقاد او بعضی از چارچوب‌های نظری برای بررسی این ارتباط در سال‌های اخیر «رده‌شناسی الگوهای واژگانی» تالمی و طرح پیشنهادی اسلوبین با نام «تفکر برای صحبت کردن» است. این چارچوب‌ها از این عقیده حمایت می‌کنند که زبان‌ها به روش‌های متفاوت، بیان دانش مفهومی غیرزبانی وضعیت‌هایی مانند حرکت را محدود می‌کنند. تمرکز واسانتا در این تحقیق بر زبان‌شناسی شناختی است با هدف حمایت از نتایجی برای کسب درک بهتری از تفاوت‌های بین‌زبانی در فراگیری زبان اول، یادگیری و استفاده از زبان دوم و سازماندهی گفتمان در افراد سالم و بیماران با آسیب‌های عصبی است.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، زبان گیلکی در پیوستاری از فعل‌های مسیرنما و شیوه‌نما قرار دارد. زیرا این افعال در رویدادهای حرکتی گیلک‌زبانان به طور همزمان قابل مشاهده است. اما از نظر رده‌شناسی دوگانه تالمی نمی‌توان این زبان را در یک رده مشخص در نظر گرفت.

البته نکته حائز اهمیت این مسئله است که میزان داده‌های این تحقیق که بر اساس پرسشنامه ویلکینز تهیه شد برای رسیدن به جواب‌های قاطع‌تر از اعتبار کافی برخوردار نیست. در واقع این پژوهش طرح نظر و پژوهش اولیه جهت بررسی زبان‌های محلی و نه زبان معیار است. به نظر نگارنده برای تحقیق جامع باید از پایگاه‌های داده‌ای بر اساس متن‌های مختلف زبان‌های ایرانی (به عنوان مثال زبان گیلکی) استفاده شود. از این رو پیشنهاد می‌شود ایجاد چنین پایگاه‌هایی موضوع تحقیق‌های آتی در قالب پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های دکتری قرار گیرد.

منابع

- از کیا، ندا (۱۳۹۰). حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناختی، رساله دکتری، رشته زبان-شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۳). «بررسی رده‌شناختی مقوله «قمر» در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی»، فصلنامه جستارهای زبانی، ۵(۱۸): ۷۱-۸۹.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۶۶). فرهنگ گیل و دیلم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.

ستوده، منوچهر (۱۳۹۱). فرهنگ گیلکی، رشت: فرهنگ ایلیا.
مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲). «بازنمود مسیر در افعال حرکتی فارسی»، دستور، ویژه‌نامه نامه‌فرهنگستان،
شماره ۹: ۷۴-۹۲.

مسگرخویی، مریم (۱۳۹۳). «زبان فارسی: فعل‌بنیاد یا تابع‌بنیاد؟»، فصلنامه پازند نشریه علمی زبان، ۱۰ (۳۷): ۱۱۹-۱۳۰.

Berman, R. and D.I. Slobin (1994). *Relating Events in Narrative: A Cross Linguistic Developmental Study*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Cifuentes Ferez, P. (2008). *Motion in English and Spanish: A Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics*, Ph. D. Thesis, Universidad de Murcia.

Filipovic, L. (2007), *Talking about Motion, a Crosslinguistic Investigation of Lexicalization Patterns*, Company.

Fortis, J. M. (2010). "The Typology of Motion Events", *Space in Language*, Leipzig Summer School, Part III.

Gennari, S.P. and et al. (2002). "Motion Events in Language and Cognition", *Cognition, Elsevier*, 49-79.

Ibarretxe- Antunano, I (in press). "Linguistic Typology in Motion Events: Path and Manner", *International Journal of Basque Linguistics and Phylology*.

Özçaliskan, ş. (2004). "Typological Variation in Encoding the Manner, Path, and Ground Components of a Metaphorical Motion Event" *Annual Review of Cognitive Linguistics* 2, John Benjamins Publishing Company, pp. 73- 102.

Sachs, A.E. (2004). *Motion Events in Seri: Applying Talmy's Typologies*, Thesis for Bachelor of Arts, Eastern Mennonite University.

Stilo, D. (2012). "Gilan Language", *Encyclopedia Iranica*, vol. x, fasc. 6, pp. 660-668.

Talmy, L. (1985). "Lexicalization Patterns: Semantic Structure in Lexical forms". In *Language Typology and Syntactic Description: Vol. III Grammatical Categories and the Lexicon*, T. Shopen (Ed.), Cambridge: Cambridge University Press, pp. 57- 149.

Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics, Vol. 2: Typology and Process in Concept Structuring*. Cambridge, Mass.: MIT Press.

- Talmy, L. (2007). "Lexical Typology", In Language Typology and Syntactic Description, (second edition), Vol. III. Grammatical Categories and the Lexicon, T. Shopen, Cambridge: Cambridge University Press. pp.66- 168.
- Vasanta,D. (2011)." Verbs of Motion and Language Use: Reflections on Research Frameworks", In R.K.Mishra and N. Srinivasan(Eds.). Language- Cognition Interface: State of the Art. Lincom Studies in Theoretical Linguistics, 44, pp.158- 179.

سرسرف

.....